بررسی تأثیر معادلات کُردی بر انتخابات ترکیه و تحولات منطقه در گفت‌وگو با احسان هوشمند

«چرخش کُردی» در انتخابات ترکیه

عبدالرحمن فتح‌الهی: اگر به شکل دقیق‌تر و جزئی‌تر روی انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی امروز یکشنبه در ترکیه تمرکز کنیم، بی‌شک یکی از مهم‌ترین نقاط تمایز در قیاس با ادوار پیشین، همگام‌شدن تقریبا بی‌سابقه اپوزیسیون و کردها با هدف حذف و کنارزدن اردوغان از قدرت است. با توجه به مجموعه تحولاتی که در سایه رقابت‌های انتخاباتی در جریان است باید اذعان کرد که معادلات کردی هم در کنار بحران سیاست خارجی، چالش‌های اقتصاد و معیشتی و نیز وقوع زلزله بهمن سال گذشته نقش مؤثری در تعیین برنده و بازنده این دوئل نفس‌گیر خواهد داشت. حتی اگر در یک سناریوی احتمالی، انتخابات امروز به دور دوم هم کشیده شود، کماکان معادلات کردی وزن و کارکرد خود را برای رسیدن به کمال قلیچداراوغلو یا رجب طیب اردوغان به کرسی ریاست‌جمهوری دارد. از یک سو برخی ناظران اعتقاد دارند که کردهای ترکیه قصد دارند در انتقام‌گیری از رجب طیب اردوغان، همه طیف‌های همسو را برای کنارزدن او متحد کنند، لذا معادلات کردی در ترکیه وارد یک پوست‌اندازی جدی شده است. در سایه این پوست‌اندازی هم شاهد آن هستیم که طیفی از جریان‌های سیاسی کردی دست به اقدامات و تحرکاتی زده‌اند که هدف غایی‌اش پیروزی نامزد اپوزیسیون ترکیه است. اگرچه جریان کمال قلیچداراوغلو هم تقید چندانی به حقوق جامعه کردی ندارد، با این حال حذف اردوغان از صحنه قدرت، ترسیم‌کننده تمام روندهای سیاسی و ائتلاف‌سازی‌ها در ترکیه است تا جایی که در این راستا حزب کردگرای دموکراتیک خلق‌ها به خاطر برنده‌شدن کمال قلیچداراوغلو، نامزد اپوزیسیون، در مقابل رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور کنونی ترکیه، از اعلام نامزد مستقل در انتخابات ریاست‌جمهوری ترکیه خودداری کرد و به جای آن از هواداران کرد خود خواسته است به قلیچداراوغلو رأی بدهند. کردهای ترکیه می‌گویند امیدوارند با شکست رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور کنونی در انتخابات، از تبعیض موجود در کشور علیه خود نجات پیدا کنند. این تنها بخشی از معادلات کردی در انتخابات امروز است. در لایه دیگری از این پوست‌اندازی، رهبران کرد ترکیه برای گریز از پیامدهای احتمال تعطیل‌شدن حزب دموکراتیک خلق‌ها، نامزدهای این حزب را در لیست حزب چپ سبز به عنوان آلترناتیو حزب دموکراتیک خلق‌ها قرار داده‌اند که نشانه‌ای دال بر استفاده از ابزارهای ناشناخته در بازی‌های سیاسی قدرت در ترکیه، این بار از سوی کردهاست. به باور تحلیلگران علی‌رغم آنکه ائتلاف اپوزیسیون شش‌گانه نمی‌تواند استراتژی مشترک و مؤثری را اتخاذ کند که تضمین‌کننده شکست حزب حاکم (حزب عدالت و توسعه) باشد، اما روی وزن معادلات کردی برای پیروزی در مقابل اردوغان حساب جدی باز کرده‌اند. به همین دلیل حزب عدالت و توسعه هم در روزهای منتهی به انتخابات تصمیم گرفت به موازات فرستادن تیم مذاکره‌کننده به زندان امرالی برای مذاکره با عبدالله اوجالان با هدف جذب بخشی از پایگاه رأی کردی، ائتلافی شکننده را با حزب مطالبه آزاد (هودا پار) تشکیل داد که پایگاه رأی حدود یک درصد دارد. همین موضوع گواه آن است که اردوغان هم معترف به اهمیت معادلات کردی و نقش تعیین‌کننده آن در پیروزی‌اش بر کمال قلیچداراوغلو است. البته ائتلاف با هودا برای اردوغان چندان هم بدون حاشیه نبوده است؛ چراکه هم‌پیمانی با این حزب کردی انشقاقی را بین حزب عدالت و توسعه با شریک اصلی‌اش در ائتلاف جمهور، یعنی حزب راست افراطی «حرکت ملی» (MHP) وابسته به دولت باغچلی ایجاد کرد. بدیهی بود که حزب حرکت ملی در لیست ائتلافی با حضور حزب کردی هودا شرکت نداشته باشد. در چنین شرایطی طیفی از ناظران بدیهی می‌دانند که حزب دموکراتیک خلق‌ها به عنوان حزبی که شمار زیادی از اعضای آن را اقلیت‌های قومی غیرترک از جمله کردها تشکیل می‌دهند، همچنان به عنوان تعیین‌کننده نهایی رئیس‌جمهور آینده ترکیه عمل کند. اما اینکه آیا حمایت این حزب کردی برای نجات جریان اپوزیسیون از شکست، کافی خواهد بود یا خیر و در مقابل معادلات کردی به عمر دو دهه‌ای اردوغان در قدرت پایان می‌دهد، سؤالاتی است که نمی‌توان به طور قاطع روی آنها نظر دارد. به همین واسطه اساسا وزن معادلات کردی در انتخابات ترکیه و تحولات منطقه باید به شکل تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد که به روشن‌ترشدن این موضوع کمک کند. در همین زمینه «شرق» به گفت‌وگو با احسان هوشمند نشسته است تا ارزیابی این پژوهشگر حوزه قومی را دراین‌باره جویا شود.

با بررسی روند تحولات در ترکیه چند موضوع کلان از عوامل تعیین‌کننده سرنوشت انتخابات امروز یکشنبه خواهند بود؛ سیاست خارجی، بحران اقتصادی و معیشتی، زلزله و معادلات کردی. در این رابطه دو پارامتر سیاست خارجی اردوغان و معادلات کردی علاوه بر تأثیرگذاری روی انتخابات ترکیه بر صحنه تحولات منطقه‌ای هم اثری مستقیم دارند. اما اگر بخواهیم به طور مشخص روی انتخابات امروز در ترکیه تمرکز کنیم، کردها تا چه حد عامل تعیین‌کننده‌ای برای پیروزی یا شکست دو نامزد اصلی این انتخابات خواهند بود؟

ابتدا جا دارد عنوان کنم این دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری در ترکیه یکی از حساس‌ترین یا حتی می‌توان گفت حساس‌ترین و پرچالش‌ترین دوره‌های انتخابات در تاریخ دو دهه گذشته ترکیه است، پس هر عاملی به سهم و وزن خود در سرنوشت این انتخابات اثر جدی دارد. در کنار آن باید نکته دیگری را هم گوشزد کرد تا به عنوان یک ناظر بیرونی انتخابات ترکیه به شکل دقیق‌تری تحولات را رصد کنیم. در محافل رسانه‌ای و تحلیلی این‌گونه ارزیابی می‌شود که بعد از روی کار آمدن اردوغان و به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، جامعه ترکیه به تدریج در حال سه‌شقه‌شدن بین جریان «مذهبی»، «سکولارها و چپ‌ها» و جریان‌های «کردی» است. یعنی ترکیه در تجربه یک شکاف عمیق سیاسی - اجتماعی و منفک‌شدن جامعه ترکیه بین این سه شقه است. اگر این تحلیل را تا حدودی درست بدانیم باید نگاهی متفاوت به نقش و جایگاه کردهای ترکیه در انتخابات داشته باشیم تا...

چرا روی درستی یا نادرستی تحلیل مطرح‌شده تشکیک می‌کنید؟

چون اگر به روند انتخابات پارلمانی و ریاست‌جمهوری در ترکیه در دو دهه گذشته نگاه کنیم، کردهای این کشور یا به صورت جزئی‌تر، عینی‌تر و دقیق‌تر اکثر کردهای ترکیه با فرایند سیاسی در این کشور همراه بوده‌اند. اما آن بخش از جامعه کردی که مخالف روند سیاسی ترکیه بوده‌اند و به اسلام‌گراها یا ملی‌گراهای ترکیه رأی نداده‌اند، هیچ‌گاه به اکثریت بدنه جامعه کردهای ترکیه بدل نشده‌اند. این نکته بسیار مهم است. یعنی، نه پ‌ک‌ک و نه هیچ گروه دیگری نتوانست به صدای غالب و اکثریتی کردهای ترکیه مبدل شود. چون اگر بپذیریم که طبق آمار، یک‌چهارم تا یک‌پنجم جمعیت ترکیه را کردهای این کشور تشکیل می‌دهند، علی‌القاعده اگر کل جامعه کردهای ترکیه پشت جریان‌ها و احزاب کردی قرار می‌گرفتند باید ۲۰ تا ۲۵ درصد نمایندگان پارلمان ترکیه را تشکیل می‌دادند که هیچ وقت این‌گونه نبوده است. در بهترین و ایدئال‌ترین حالت اگر گروه‌های کردی موفق به اجماع، ائتلاف و اتحاد شده‌اند و همچنین جریان‌های چپ، مارکسیست‌ها، سبزها و... هم از آنها حمایت کرده‌اند، تنها توانسته‌اند به حد نصاب لازم برای حضور در پارلمان ترکیه برسند. اگر این نکات را در نظر نگیریم نمی‌توانیم نگاه و ارزیابی دقیق و در عین حال واقع‌بینانه‌ای درخصوص تأثیر معادلات جریان‌های کردی و جایگاه و وزن کردها بر انتخابات امروز ترکیه داشته باشیم. این نکته را اضافه کنیم که به‌جز چند استان مانند دیاربکر، وان و تا حدودی حکاری که به صورت ثابت و سنتی از جریان‌های کردی حمایت کرده‌اند، بقیه استان‌ها عملکردی متفاوت داشته‌اند. رأی این مناطق در دو دهه گذشته بین اردوغان و حزب عدالت و توسعه با کمال قلیچدار اوغلو و حزب جمهوری خلق ترکیه و نیز حزب حرکت ملی به رهبری دولت باغچلی، آن هم در مناطق مرکزی و علوی‌نشین ترکیه در نوسان بوده است.

با این حال به نظر می‌رسد تحولات جدیدی در صحنه انتخابات امروز (یکشنبه) باعث شده است که کردها متفاوت از ادوار پیشین به سمت کنارگذاشتن اردوغان پیش بروند. به همین دلیل تقریبا تمام محافل سیاسی و تحلیلی اتفاق نظر دارند که مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین پارامترهای شکست احتمالی اردوغان به عملکرد وی در قبال کردها بازمی‌گردد؛ تا جایی که اکنون از انتقام کردها ذیل حمایت تمام‌قد از کمال قلیچداراوغلو سخن می‌گویند. پس تحولات متفاوت از ارزیابی شماست و این بار کردها تمام‌کننده خواهند بود که...

گفته شما از این جهت درست است که به نظر من هم تحولات جدیدی در صحنه رقابت‌های سیاسی ترکیه روی داده و به همین دلیل این انتخابات متفاوت از ادوار گذشته است. اول گفت‌وگو هم عنوان کردم این دوره از انتخابات مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین، حساس‌ترین و پرچالش‌ترین دوره‌های انتخابات در تاریخ ترکیه است. یکی از اتفاقات جدی که این میزان حساسیت را ایجاد کرده به ریزش و جدایی بخشی از حزب عدالت و توسعه و هم‌پیمانان اردوغان بازمی‌گردد که اکنون در جبهه اپوزیسیون و به حمایت از کمال قلیچداراوغلو پرداخته‌اند. نکته دیگر این است که با توجه به واقعیت‌های میدانی، امروز ترکیه با چند بحران جدی دست به گریبان است که یکی از آنها به حوزه اقتصادی و معیشتی بازمی‌گردد و دیگری هم ناشی از وقوع زلزله سال گذشته است. این دو بحران هم صفحه جدیدی را در انتخابات امروز رقم زده است. به هر حال باید پذیرفت که نوسان اقتصادی و تورم موجود موجب نارضایتی گروهی از شهروندان ترکیه به‌ویژه از حامیان پیشین حزب عدالت و توسعه و آقای رجب طیب اردوغان شده است.

نکته مهم دیگری که باید در نظر گرفت این است که اگرچه در نظرسنجی‌های متعدد صورت‌گرفته، کمال قلیچداراوغلو در صدر لیست قرار دارد و حزب عدالت و توسعه اکثریت ۱+۵۰ رأی را به دست نمی‌آورد، اما از نظر محبوبیت کماکان حزب عدالت و توسعه به تنهایی محبوب‌ترین حزب در میان مردم ترکیه است. به‌جز موضوع نامزدی اردوغان برای انتخابات فعلی، اینجا باید تمرکزمان روی حزب عدالت و توسعه بگذاریم. این حزب با وجود این چالش‌ها و مشکلات چند سال اخیر و نیز ریزش در بدنه خود همچنان به تنهایی بالاترین جایگاه را در میان احزاب رقیب در میان مردم ترکیه دارد. پس این حزب ظرفیت قابل توجهی دارد که می‌تواند به اردوغان هم کمک کند. حالا باید روی تأثیر پارامتر کردی تمرکز کنیم. همان‌طور که قبلا گفتم چهار استان کردنشین ترکیه به طور سنتی یا به اردوغان رأی نمی‌دادند یا اساسا مشارکتی در انتخابات نداشتند. اما به دلیل تفاوت این دوره از انتخابات قطعا آرای همه مناطق کردنشین ترکیه حائز اهمیت است. حتی یک رأی هم می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد.

نکات مدنظرتان اتفاقا برخلاف ارزیابی اولیه شماست.

این‌گونه نیست. اجازه دهید بحث کامل شود؛ چون نباید فراموش کرد که شاهد رشد یک جریان ملی‌گرایی در ترکیه با خوانش و چاشنی دینی و اسلام‌گرایی به‌ویژه در سال‌های اخیر هستیم؛ پس اگرچه جامعه آماری انتخاباتی کردهای ترکیه بین هفت تا ۱۰ درصد است و می‌تواند روی سرنوشت انتخابات تأثیرگذار باشد، اما به باور من هر نامزدی که سرمایه‌گذاری جدی روی آرای کردها داشته باشد، به همان اندازه یا بیشتر از آن، آرای ناسیونالیست‌های ترکیه و ملی‌گراهای این کشور، حتی رأی بخشی از محافظه‌کاران مذهبی ترکیه را از دست خواهد داد؛ پس نمی‌توانیم معادلات کردی را یک‌طرفه بررسی کنیم. اینجاست که ما با یک معادله پیچیده و چندوجهی مواجهیم که بخشی از آن به مناسبات کردی اختصاص دارد. اما در یک ارزیابی دقیق و کلی باید تمام لایه‌ها، ابعاد و سطوح تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی ترکیه را در نظر بگیریم. این پیچیدگی در حدی است که به باور من اکنون جامعه سه‌شقه ترکیه در یک شکاف عمیق بین کمال قلیچداراوغلو و رجب طیب اردوغان قرار گرفته است که می‌تواند آشوب، شورش و اردوکشی خیابانی را در روزهای بعد از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری به همراه داشته باشد؛ یعنی این جامعه به قدری دچار دوپارگی عمیق و حتی بی‌بازگشت شده است که امکان دارد طرفین نتایج انتخابات را نپذیرند و به آن تمکین نکنند.

این گفته شما تا حدی می‌تواند از دل آسیب‌شناسی عملکرد دودهه‌ای رجب طیب اردوغان و حزب عدالت و توسعه هم منتج شود. به هر حال شرایط کنونی در حوزه سیاست خارجی، اقتصاد، معیشت و حتی معادلات کردی در ترکیه، سوریه، عراق و ایران به نگاه امنیتی اردوغان بازمی‌گردد که...

نکته‌ای که باید مدنظر قرار داد، این است که اتفاقا چون رجب طیب اردوغان و حزب عدالت و توسعه در دو دهه گذشته بر همه ارکان و امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دیپلماتیک، نظامی، امنیتی و دفاعی ترکیه سوار بوده‌اند، اکنون معادلات در هم پیچیده شده است.

بیشتر کالبدشکافی می‌کنید؟

چون رجب طیب اردوغان و حزب عدالت و توسعه در دو دهه گذشته بر همه ارکان و امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دیپلماتیک، نظامی، امنیتی و دفاعی ترکیه سوار بوده‌اند، به همین دلیل تغییر و جابه‌جایی لایه‌های قدرت بدون چالش و تبعات نخواهد بود. یعنی حتی در یک سناریوی احتمالی اگر بپذیریم که رجب طیب اردوغان شکست را قبول کند و به صورت دموکراتیک قدرت را به کمال قلیچداراوغلو انتقال دهد، مطمئنا از فردای روی کار آمدن جریان اپوزیسیون، گزارش‌ها، افشاگری‌ها و مدارکی دال بر فساد اردوغان و حزب حاکم در ادارات، وزارتخانه‌ها، بانک‌ها و جاهای دیگر منتشر خواهد شد، با این هدف که تتمه جریان اردوغان هم در ترکیه نابود شود. قطعا این مسئله می‌تواند به یک زلزله سیاسی-اجتماعی بدل شود؛ تا جایی که شاهد دخالت ارتش و نیروهای نظامی باشیم. اینجا دست کمال قلیچداراوغلو و جریان چپ و سکولار بسته است؛ چون در دو دهه اخیر اردوغان و حزب عدالت و توسعه دست به تسویه‌حساب و یکدست‌کردن ارتش با نفوذ گسترده جریان اسلام‌گرا در نیروهای نظامی و امنیتی زده‌اند. به همین دلیل جریان سکولار و چپ در ارتش ترکیه توان و نفوذ جدی ندارد. البته من این نظر را هم دارم که شاید ارتش به جایی برسد که هر دو جریان کمال قلیچداراوغلو و رجب طیب اردوغان را کنار بزند. پس این تجربه چندان دور از ذهن نیست؛ به‌ویژه اینکه ما در ادوار گذشته به تناوب شاهد وقوع کودتاهای نظامی بوده‌ایم. اما اگر چنین فرضی محقق شود، ارتش، نه ارتشی سکولار، بلکه به احتمال زیاد ارتشی با رویکردی ملی و دینی و شاید با نیم‌نگاهی به جماعت چی‌ها و حتی فتح‌الله گولن باشد. نکته دیگری که دراین‌باره باید مدنظر قرار داد، حضور بخش قدرتمند نوکیسه‌هاست. بررسی‌های موجود نشانگر آن است که در حدود دو دهه حاکمیت حزب عدالت و توسعه در صحنه سیاسی ترکیه، فضای مناسبی برای استفاده نیروهای وابسته به این جریان در فعالیت‌های کلان اقتصادی فراهم شده است و این بخش از صاحبان سرمایه حزبی-رفاقتی در ترکیه هم در مناسبات جاری دارای اثرگذاری هستند. سرمایه‌دارانی بزرگ که با عقبه اجتماعی ویژه خودشان نمی‌توانند و اجازه نمی‌دهند تغییرات و دگرگونی‌های احتمالی در ترکیه به ضرر آنها باشد و تنها نظاره‌گر مخاطراتی باشند که می‌تواند به قطع فعالیت آنها منجر شود.

پس به باور شما در این صحنه پیچیده در ترکیه، معادلات کردی تأثیرات جدی ندارند؟

این‌گونه نیست. نکته مهم اینجاست که در این معادلات پیچیده ترکیه بخشی از جامعه کردی با فراخوان و دعوت به مشارکت از سوی صلاح‌الدین دمیرتاش برای حمایت از کمال قلیچداراوغلو تحول سیاسی جدیدی را در انتخابات ایجاد کرده است که هم‌زمان تحول جدیدی هم در جریان‌های کردی خواهد بود.

چطور؟

چون کمال قلیچداراوغلو به هر حال میراث‌دار جریان چپ و سکولار و همچنین وامدار و میراث‌دار سیاست‌های آتاتورک است؛ پس اگر یک بخش از جامعه کردی اکنون و در این شرایط به حمایت از کمال قلیچداراوغلو برخیزند، نشان می‌دهد که معادلات کردی هم پیچیده شده است.

ولی جناب هوشمند به نظر می‌رسد حمایت از اوغلو از سوی کردها صرفا با هدف انتقام از اردوغان است، نه همخوانی صددرصدی با میراث‌دار سیاست‌های آتاتورک و نگاه کمالیستی.

ببینید، با هر هدفی که بخشی از کردها به‌ویژه نیروهای سیاسی کرد ترکیه‌ای حمایت خود را از کمال قلیچداراوغلو اعلام کرده باشند، یک معادله جدید کردی است. حتی برای انتقام‌گیری از اردوغان هم حمایت کردها از کمال قلیچداراوغلو بسیار مهم است؛ چون تا قبل از این، جریان‌های کردی پس از فعالیت‌های خونین چنددهه‌ای توانستند خود را به صحنه سیاسی ترکیه وارد کنند؛ یعنی بعد از چند دهه فعالیت نظامی و چریکی و پس از چند سال ورود به صحنه سیاسی ترکیه اکنون چرخش کردها به سمت کمال قلیچداراوغلو به‌عنوان میراث‌دار آتاتورک به لحاظ نظری و از دید من یک چرخش سیاسی جدی برای کردها محسوب می‌شود؛ چراکه حکایت از پوست‌اندازی ایدئولوژیک و تئوریک برای کردها در ترکیه دارد. قطعا این پوست‌اندازی در فرایندهای آتی بین نیروهای سیاسی کرد اختلافاتی را ایجاد می‌کند. نمی‌شود به عوام گفت ما به صورت مصلحتی و تنها برای شکست اردوغان دست به دامان میراث‌داران آتاتورک شده‌ایم. وقتی حمایت از میراث‌داران آتاتورک به هر دلیلی در این انتخابات از طرف جریان‌های سیاسی کرد طرفدار پ‌ک‌ک مشروعیت پیدا می‌کند، بی‌شک در انتخابات بعدی و فرایندهای آتی دلایل و علت‌های دیگر هم می‌تواند زمینه بیشتری برای این چرخش فراهم آورد و این شکاف میان آتاتورک‌گرایان اصلی ترکیه و گروه‌های سیاسی کرد طرفدار اوجالان را کم کند. در نتیجه هم در میان طرفداران احزاب ملی‌گرای ترک انشقاق ایجاد می‌شود که برای کسب رأی به پ‌ک‌ک نزدیک شده‌اید و هم در میان گروه‌های سیاسی کرد طرفدار پ‌ک‌ک چنین اختلافاتی بروز می‌کند.

منظور شما چه اختلافاتی است؟ چون اخیرا شاهد یک دوصدایی بین صلاح‌الدین دمیرتاش و جریان عبدالله اوجلان در حمایت از رجب طیب اردوغان یا کمال قلیچداراوغلو بودیم.

اتفاقا به نکته مهمی اشاره کردید. اکنون این دوصدایی از درون جریان‌های کردی به صدا درآمده است که متأثر از همان پوست‌اندازی ایدئولوژیک و تئوریک برای کردهاست که پیامدهای درازمدتی را هم در پی خواهد داشت.

با این حال معادلات کردی صرفا محدود به مرزهای ترکیه نمی‌شود و به طور مشخص سوریه را هم در بر می‌گیرد. دراین‌صورت آیا اکنون تحولات سوریه از دریچه کردی نمی‌تواند تأثیر مضاعف را بر انتخابات ترکیه تحمیل کند؟

چهارشنبه هفته گذشته شاهد بودیم که نشست چهارجانبه‌ای بین ایران، روسیه، سوریه و ترکیه برگزار شد. در این نشست دمشق و آنکارا یک مسیر را برای موضوع آوارگان و دیگر مسائل سوریه تعریف کردند. اگر انتخابات به دور دوم کشیده شود، دو هفته فرصت برای اردوغان به وجود می‌آید تا بتواند از برگ برنده سوریه و کردهای سوریه هم استفاده کند. در این صورت من تصور می‌کنم که اردوغان برنده دور دوم انتخابات ترکیه خواهد بود.

اما اگر بخواهیم به صورت راهبردی‌تر به تأثیر معادلات کردی بر صحنه انتخابات ترکیه و کل منطقه ورود کنیم، به نظر می‌رسد موتور امنیتی‌سازی کردی با ترکیه روشن شده و به پیش می‌رود و این نگاه امنیتی به‌ویژه در سال‌های اخیر به بغداد، دمشق و تهران هم سرایت کرده است. با این تفاسیر آیا پوست‌اندازی کردی در صحنه سیاسی ترکیه و از آن سو روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید نمی‌تواند این نگاه امنیتی را از مقوله کردی بزداید؟

من از نظر تحلیلی، مسئله را صرفا با عینک سیاسی و امنیتی یا در آن سو با خوانش قومی یا حتی اقتصادی صرف بررسی نمی‌کنم.

به چه دلیل؟

چون من معتقدم که بخشی از این مسئله به پیشینه‌های تاریخی و گزاره‌های اجتماعی هم ارتباط دارد. به طور مشخص حداقل در چهار دهه اخیر بیشترین هزینه و شکاف اجتماعی در منطقه خاورمیانه برای ترکیه روی داده است؛ تا جایی که به نظر می‌رسد هنوز راه‌حلی برای عبور از این بحران وجود ندارد. قبل‌تر هم اشاره کردم که ترکیه به حدی دچار چالش‌های سیاسی-اجتماعی و شکاف عمیق شده است که در حال سه‌پاره‌شدن است. چرا؟ چون ترکیه بر ویرانه‌های عثمانی سوار شد. در سال‌های ابتدایی حیات ترکیه برخورد قهرآمیزی با موضوع اقوام و تنوع زبانی در ترکیه صورت گرفت. به همین دلیل کشتار ارامنه، کشتار یونانی‌ها، تقابل با عراق و موضوع جریان‌های کردی همواره یک سایه سنگین در تاریخ ترکیه دارد و با تاروپود سیاسی و اجتماعی ترکیه گره خورده است. پس اگر این تصور را داشته باشیم که با تغییر ساختار سیاسی ترکیه تمام این ساختارها دگرگون می‌شود، یک ارزیابی به دور از واقعیت است. یعنی پوست‌اندازی کردی در صحنه سیاسی ترکیه و از آن سو روی کار آمدن رئیس‌جمهور جدید نمی‌تواند این نگاه امنیتی را از مقوله کردی بزداید؛ هرچند ممکن است اثراتی بر آن داشته باشد.

به همین دلیل است که تجربه‌های اردوغان در راستای تحقق سیاست تنش صفر و صلح با جامعه کردی به شکست رسید و بعد از یک دوره کوتاه دوباره شاهد درگیری‌های مسلحانه و بازگشت به نقطه صفر هستیم؟

من با بخشی از گفته شما درخصوص بازگشت به نقطه صفر مخالفم؛ چون من این تصور را ندارم که با وجود شکست صلح بین اردوغان و قندیل و پ‌ک‌ک، اکنون درگیری‌های مسلحانه به نقطه صفر و اولیه بازگشته است. من معتقدم اکنون ترکیه در قبال موضوع کردی تحولات و تجربیات تازه‌ای را از سر گذرانده است. به همین دلیل قطعا ترکیه نمی‌تواند به نقطه صفر برای تقابل با کردها بازگردد؛ چراکه همین الان بخشی از جامعه سیاسی کردی در بدنه و ساختار تصمیم‌گیری ترکیه حضور دارند.

ولی هم‌زمان درگیری‌ها هم اوج گرفته است که...

درست است هنوز قندیل و پیشمرگه‌های پ‌ک‌ک درگیر هستند. هر روز پهپادهای ارتش ترکیه بمباران می‌کنند. هر روز شاهد حضور جنگنده‌ها بر فراز کوه‌ها هستیم و درگیری‌ها کمابیش به خاک عراق هم کشیده شده است، اما در مقابل ما شاهد وقوع چند اتفاق مهم بودیم که اجازه نمی‌دهد ترکیه و کردها به نقطه صفر بازگردند.

مثلا؟

اول تغییر ناظر به بهبود شاخص‌های توسعه در مناطق کردنشین ترکیه است. به شکل مشهودی هر بیننده و ناظری با حضور در مناطق کردنشین ترکیه شاهد تحول و توسعه و رشد دسترسی به خدمات شهری و زیرساخت‌های توسعه‌ای است. از نظر زیرساخت، جاده، تأسیسات، کشاورزی، سدسازی، افزایش سطح درآمد، ارتقای سطح رفاه وضعیت را متفاوت از چند سال قبل کرده است. همین وضعیت مطلوب باعث شده است که بخش عمده‌ای از جامعه کردی برخوردار از موقعیت جدید باشند که پیش از این وجود نداشته است. اتفاقا در مناطق کردنشینی که درگیری‌ها در آن بیشتر از سایر مناطق روی می‌دهد، نرخ موالید حدود دو و نیم برابر بیشتر از متوسط زاد و ولد در کل ترکیه است. پس می‌بینید که ارتقای سطح درآمد و رفاه، عملا سبک زندگی را در کل جامعه ترکیه و جامعه کردی این کشور هم تغییر داده است و پیرو همین تغییر سبک زندگی، خانوار و خانواده هم به‌تدریج در حال کوچک‌شدن است. به همین دلیل نگرش‌های سیاسی و اجتماعی کردی هم دگرگون شده است. البته من هم اذعان دارم دگرگونی شگرف و صد درصدی رخ نداده است، اما به هر حال جامعه کردی اکنون با یک عینک جدید به صحنه تحولات در ترکیه می‌نگرد. اتفاقا در راستای همین نکته و با توجه به تغییر سبک زندگی است که ما می‌بینیم اکنون بخشی از جامعه کردی در یک پوست‌اندازی سیاسی و اجتماعی به دنبال حمایت از میراث‌دار آتاتورک هستند که البته می‌تواند انشقاق و اختلافاتی را هم در خود کردهای ترکیه ایجاد کند، اما همان‌گونه که گفتم و دوباره تأکید می‌کنم چرخش کردها به سمت کمال قلیچداراوغلو به عنوان وامدار سیاست‌های کمالیستی متأثر از همان نوع تغییر سبک زندگی و نیز تغییر شرایط سیاسی در ترکیه است.

اتفاقا روی نکته‌ای دست گذاشتید که از دید بسیاری از تحلیلگران جای مناقشه دارد؛ چون روند طی‌شده برای بهبود سطح رفاه و زندگی جامعه کردی در ترکیه یک «پروسه» است نه یک «پروژه». یعنی حتی اگر رجب طیب اردوغان و حزب عدالت و توسعه هم در کار نبود با افزایش سطح درآمدهای ترکیه، خواه‌ناخواه شاهد این تحولات می‌بودیم. لذا...

به هیچ عنوان نباید این اشتباه تحلیلی را داشته باشیم. شما کافی است که به صورت میدانی در جامعه ترکیه حضور پیدا کنید و در مناطق کردنشین یک ارزیابی داشته باشید. اکنون به شکل مشهودی شاخص‌های دسترسی کردها به رفاه، آموزش، بهداشت، درمان و دیگر موضوعات با محدودیت‌های عجیب و غریب گذشته همراه نیست. دیگر تبعیض و بی‌توجهی اداری گذشته از بین رفته است. اکنون محرومیت‌های سابق در مناطق کردنشین دیده نمی‌شود. در چنین وضعیتی جامعه ترکیه تصور وقوع و استمرار این تحولات را بدون اردوغان ندارد.

پس ما باید این را بپذیریم که بخشی از جامعه کردهای ترکیه شاید در راستای آنچه عنوان کردید، فکر نکنند و این دسته از مردم کرد اعتقاد داشته باشند هرآنچه درخصوص بهبود وضعیت زندگی آنها روی داده است، متأثر از عملکرد شخص اردوغان و حزب عدالت و توسعه است. به همین دلیل است که اردوغان بدنه‌ای از آرای کردها را در ادوار گذشته انتخابات برای خود حفظ کرده بود. اما در لایه عمیق‌تر تحلیلی باید به شرایط کنونی جامعه کردی در ترکیه نگاه کنیم. یعنی زمانی که بخشی از جامعه کردی، ولو به‌صورت تاکتیکی و مقطعی حاضر به حمایت از کمال قلیچداراوغلو به عنوان میراث‌دار سیاست کمالیستی و آتاتورکی هستند، قطعا پیامدهای راهبردی و استراتژیک را برای معادلات کردی در ترکیه و حتی در منطقه خواهد داشت که در یک لایه شاهد دوشقه‌شدن جامعه کردی به عنوان نمونه و به‌صورت محدودی بین جریان صلاح الدین دمیرتاش و عبدالله اوجالان هستیم.

نمونه چنین تحولی هم در کردستان عراق روی داده است. در دوره‌هایی در کردستان عراق هم شاهد این وضعیت دوپاره، دوگانه و دوشقه در جامعه کردی میان دو بخش حزب دموکرات کردستان عراق بودیم که در نهایت به تشکیل اتحادیه میهنی به رهبری جلال طالبانی منجر شد. پس اگر سطح رفاه و سبک زندگی کردهای ترکیه در این سال‌ها تغییر نمی‌کرد و محدودیت‌ها، محرومیت‌ها و تبعیض‌های گذشته اکنون هم ادامه می‌یافت به‌شدت وضعیت متفاوت از گذشته بود. پس اساسا بازگشت به نقطه صفر وجود ندارد و همچنین از دید بخشی از کردها شکل‌گیری وضعیت کنونی بدون اردوغان امکان‌پذیر نبود. در این شرایط بخش دیگری از جامعه کردی هم با وجود انشقاق و فاصله‌گیری از اردوغان دوباره به میراث‌دار سیاست‌های آتاتورک رجعت می‌کنند. اما این داستان طرف دیگر هم دارد؛ یعنی همه چیز را نباید از عینک کردی ببینیم. وقتی کمال قلیچداراوغلو هم به عنوان وامدار سیاست‌های کمالیستی به سمت صلاح‌الدین دمیرتاش و بخشی از جامعه کردی گرایش پیدا می‌کند، نشان می‌دهد که اکنون سیاست‌های آتاتورکی نوین هم در قبال کردهای ترکیه دچار تغییر و تحولات جدی شده است و شاید از پس آن سیاست جدیدی از منظر هواداران سنت آتاترکی ظهور کند.

به کردستان عراق اشاره داشتید، اما به نظر می‌رسد تحولات فراتر از آن است که بخواهیم فقط آن را محدود به ترکیه و عراق بدانیم؛ چون مشخصا موضوع کردی بعد از همه‌پرسی اقلیم کردستان وارد دوره دیگری شده است که کل منطقه و حتی دخالت ابرقدرت‌هایی همچون واشنگتن و مسکو را در بر می‌گیرد. به همین دلیل تداوم قدرت اردوغان یا حذف او پس از دو دهه می‌تواند کاتالیزوری در روند تحولات این فصل تازه باشد؟

اتفاقا نکته مهم اینجاست که به باور من بعد از همه‌پرسی اقلام اقلیم کردستان عراق پارامتر و متغیر کردی در معادلات منطقه با یک چالش جدی روبه‌رو شده است. به عبارت دیگر هم‌گرایی آنکارا، تهران و بغداد در این زمینه برای به شکست کشاندن پروژه همه‌پرسی اربیل باعث شده است که فصل جدیدی در قبال موضوع کردی و معادلات کردی در منطقه خاورمیانه شکل بگیرد. یکی از شخصیت‌های عراقی مدعی بود هاکان فیدان، رئیس سازمان امنیتی ترکیه یعنی «میت» در جریان تحولات پس از اعلام همه‌پرسی اقلیم کردستان عراق، خود به عنوان یکی از ناظران عملیات ارتش عراق در بغداد حضور داشت و بر روند کار نظارت می‌کرد. یعنی ترکیه علی‌رغم نزدیکی به پارتی یا حزب دموکرات کردستان عراق حاضر نبود این روابط در نهایت منجر به وضعیتی شود که منافع ترکیه را تحت تأثیر خود قرار دهد. در این فصل تازه برخی بازیگران فرامنطقه‌ای و حتی قدرت‌های جهانی با محوریت آمریکا و روسیه هم تمایل دارند در معادلات کردی نقش‌آفرینی خود را مبتنی بر منافعشان داشته باشند. اما در کل من تأکید دارم که نقش، سهم و وزن بازیگران منطقه‌ای به‌خصوص ایران، ترکیه، عراق و سوریه در معادلات کردی بیش از تأثیر بازیگران فرامنطقه‌ای است.

از طرف دیگر نباید فراموش کنیم که شکست آرمان‌ها و اندیشه‌های چپ باعث بحران هویت به‌خصوص در معادلات کردی شده است. به‌ویژه که می‌دانیم مبنای ایدئولوژیک بیشتر جریان‌های سیاسی کردی در تاریخ معاصرمتأثر از نحله‌های مختلف مارکسیسم بوده است. برای مثال کافی است به تحولات شهریور ۱۴۰۱ در ایران بازگردیم. اگر موضوع فوت خانم امینی یا موضوع مشابهی با آن، ۱۰ سال پیش یعنی سال ۱۳۹۱ روی می‌داد، قطعا چندین اعتراض و راهپیمایی چند صد هزار نفری در دهوک و دیاربکر شکل می‌گرفت، اما ما دیدیم که سال گذشته هیچ اعتراضی با حضور صدها هزار نفر در اربیل یا دیاربکر یا دهوک در این رابطه وجود نداشت. اینها علائم پایان ایدئولوژی‌گرایی در جامعه کردی است که موجب شده تا...

ولی به چه دلیلی شاهد این تطور و پوست‌اندازی هستیم؟

دلایل عمده‌ای برای آن وجود دارد که از نگاه من یکی از مهم‌ترین آن به عملکرد حکومت کردی در اقلیم کردستان عراق بازمی‌گردد. کارنامه غیر قابل دفاع و فساد ساختاری و رو به رشد و فزاینده در این حکومت کردی موجب شده است که اکنون جامعه کردی دیگر در راستای آرمان‌های چپ مارکسیستی به دنبال ایجاد ساختار سیاسی کردی نباشد تا خود را به عنوان یک بازیگر جدید در معادلات خاورمیانه تعریف کند. طبق آمارها، اقلیم کردستان عراق به نسبت جمعیت خود یکی از مناطقی است که بیشترین میزان مهاجرت به کشورهای اروپایی را دارد. از سال ۲۰۱۵ تا شش سال بعد یعنی ۲۰۲۱ حدود ۶۵۰ هزار نفر از اقلیم کردستان عراق مهاجرت کرده‌اند و عازم کشورهای دیگر به‌ویژه در اروپا شده‌اند. حتی گروه زیادی جانشان را در این سال‌ها در راه مهاجرت غیرقانونی در خارج از مرزهای اقلیم کردستان عراق از دست داده‌اند. از طرف دیگر فرسایشی‌شدن مبارزات و عدم خروجی و دستاورد عینی و ملموس از دل این مبارزات قطعا باعث می‌شود که نوعی فاصله و شکاف بین آرمان و مبارزه با جامعه شکل بگیرد. از سال ۱۹۷۸ میلادی که پ‌ک‌ک به تدریج فعالیت‌های مبارزاتی خود را آغاز کرده و طی حدود پنج دهه اخیر دست به فعالیت مسلحانه زده است تقریبا هیچ دستاورد و خروجی جدی و قابل قبولی از نظر شاخص‌های اثرگذاری بر معادله قدرت و میدان سیاست در ترکیه به دنبال نداشته است. در این شرایط و نتیجه چنین روندی، جامعه کردی دچار سرخوردگی و ناامیدی از مبارزه، آرمان و ایدئولوژی خواهد شد. شکست جهانی چپ و مارکسیسم هم چاشنی آن را بیشتر و قوی‌تر می‌کند.

درحالی‌که جریان رقیب دستاوردهای مشخصی را برای کردها شکل داده است. برای اینکه جمله خود را روشن‌تر کنم به آمارها بازگردیم. اکنون میزان جذب کردهای تحصیل‌کرده در ساختار و سیستم حزب عدالت و توسعه و اردوغان بیشتر از ساختار ایدئولوژیک و مبارزاتی پ‌ک‌ک بوده است. پس دیگر نمی‌توان با در نظر گرفتن شرایط جدید از ایدئولوژی، آرمان و مبارزه سخن گفت و با تکیه به آرمان‌های کمونیسم و مارکسیسم یا با توجه به تئوری‌های مائو روی جامعه روستایی و دهقان‌ها سرمایه‌گذاری کرد؛ چون اکنون دهقان‌ها در ترکیه صاحب رفاه، درآمد و برخورداری بیشتری از خدمات مهمی هستند که موجب دوری آنها از مبارزه می‌شود. اتفاقا مارکس اعتقاد داشت که دهقانان جزء محافظه‌کارترین طبقات جامعه هستند و تنها زمانی دست به شورش می‌زنند که زندگی آنها در خطر باشد، اما در مقابل طبقه کارگر چون چیزی برای از دست دادن ندارد، همیشه آماده مبارزه است. جامعه روستایی کردهای ترکیه در طول دو دهه گذشته دچار یک پوست‌اندازی در حوزه سبک زندگی شده است و شرایط امروزی این جامعه قرابتی با آرمان، ایدئولوژی و مبارزه ندارد؛ چون سطح رفاه ارتقا پیدا کرده و درآمدها و سبک زندگی دگرگون شده است. لذا حتی اگر در برخی مقاطع و برهه‌های زمانی مانند انتخابات امروز، انگیزه‌های سیاسی وجود داشته باشد، جامعه کردی دیگر حاضر به پذیرش ریسک بالا نیست.

باید واقعیت‌ها را ببینیم. ما در دنیای ۴۰ سال پیش زندگی نمی‌کنیم. اکنون فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی موبایلی بر همه ابعاد و سطوح زندگی تأثیرگذار است. وقتی کردهای ترکیه می‌بینند که در اقلیم کردستان عراق حقوق معلمان و دیگر اقشار جامعه پرداخت نمی‌شود و زمانی که آنها دست به اعتراض، تحصن و اعتصاب می‌زنند سریعا سرکوب می‌شوند، دیگر امیدی به ساختار کردی ندارند. چون از یک طرف می‌بینند که بچه‌های آنها در کوه‌ها مبارزه می‌کنند تا یک حکومت را روی کار بیاورند، اما هم‌زمان یک حکومت کردی در عراق به راحتی دست به سرکوب جامعه خود زده است به طوری که گروهی از معلمان و دیگر اقشار جامعه به صراحت می‌گویند که حاضر به بازگشت زیر پرچم بغداد هستند. در کنار آن باور به فساد، رانت، ویژه‌خواری و ناکارآمدی حکومت کردی در اقلیم کردستان عراق تقریبا برای همه قابل پذیرش شده است. البته تبلیغات پ‌ک‌ک و رقبا و تشدید شکاف میان گروه‌های کردی رقیب بر افکار عمومی درباره اقلیم کردستان عراق هم تا حدودی آثاری بر جای گذاشته است.

با این گفته شما اتفاقا سؤال مهم‌تر اینجاست که اگر قائل به تغییر نگاه در قبال معادلات کردی و از طرف دیگر شاهد شکاف و فاصله‌گیری از آرمان، ایدئولوژی و مبارزه در کردها هستید، چرا نگاه آنکارا، دمشق، بغداد و تهران تغییری نمی‌کند؟

ببینید ما نمی‌توانیم ترکیه، سوریه، عراق و ایران را در یک پارادایم بررسی کنیم؛ چراکه اقتضائات اجتماعی، تاریخی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی، نظامی، دفاعی و جغرافیایی هر کشور در قبال کردها نگاهی متفاوت را به تهران، آنکارا، دمشق و بغداد می‌دهد. من به طور مشخص درخصوص ایران قائل به این هستم که نگاه قومی مطرح نیست، بلکه بیشتر پارامترهای مذهبی تعیین‌کننده است. دراین‌باره هم‌زمان با دوره آقای خاتمی شاهد امنیتی‌زدایی از کردها و به‌کارگیری کردهای سنی‌مذهب در بدنه اجرائی و مدیریتی کشور هستیم. اکنون فرمانده نیروی زمینی ارتش و نیروی دریایی ارتش هر دو کردستانی و کرمانشاهی هستند. در عین حال کردهای اهل سنت فراوانی هم در بدنه اجرائی و مدیریتی شهرها و استان‌ها به کار گرفته شده‌اند. البته تأکید دارم که هنوز با نقطه ایدئال فاصله زیادی داریم، اما حاکمیت در ایران در دوره اصلاحات و حتی دوره آقای روحانی تا حدودی این ظرفیت را داشت که نگاه امنیتی را از روی کردستان کاهش دهد. ولی ما نمی‌توانیم این شرایط را برای ترکیه یا سوریه و عراق به صورت مشابه در نظر بگیریم. شرایط عراق با ترکیه و هر دو با سوریه متفاوت است. اما باز هم تکرار می‌کنم وقتی بخشی از جریان کردی در ترکیه این عقلانیت ابزاری و سیاسی را به کار گرفته است که با میراث‌دار آتاتورک هم‌پیمان شود و از او حمایت کند، نشان می‌دهد که با یک پوست‌اندازی در حوزه جریان‌های سیاسی و نیز جریان کردی مواجهیم. یعنی بخشی از همان جریان کمالیستی هم دیگر نگاه امنیتی خود را به کردها مانند سابق ندارد. قطعا این نوع ارزیابی و عملکردها، هم از سوی کردها و هم از جانب جریان‌های سیاسی مقابل می‌تواند به صورت پخته‌تری ادامه پیدا کند تا به یک همزیستی پایدار با رفع مشکلات و مسائل موجود منجر شود.

با این حال وقتی به گذشته رجوع می‌کنیم شکست تجربیاتی مانند سیاست تنش صفر اردوغان و صلح با کردها نشان می‌دهد که شاید این عقلانیت ابزاری توسط کمال قلیچداراوغلو یا بخشی از کردهای ترکیه هم به سرنوشت مشابه دچار شود. غیر از این است؟

گفته شما به آینده ارتباط دارد و نمی‌توان از هم‌اکنون نظری قاطع درخصوص شکست آن داشت. به هر حال ما تجربه دو دهه آزمون و خطا در دوره اردوغان را داریم. اگر اردوغان و حزب عدالت و توسعه متحمل شکست سنگینی شود، احتمال دارد هم جریان‌های کردی و هم کمال قلیچداراوغلو از این تجربیات استفاده کنند تا به یک همزیستی و زبان مشترک دست پیدا کنند که به شکست منجر نشود. از طرف دیگر ما نمی‌توانیم اقتضائات زمانی و مکانی و فعل و انفعالات در ترکیه و منطقه خاورمیانه را هم دور از ذهن بدانیم. اکنون خود اردوغان هم به فکر اصلاح روند سابق در سوریه است؛ چه این اقدام با هدف تبلیغات انتخاباتی باشد و چه در عمل اردوغان درصدد اصلاح روند گذشته باشد، نشان می‌دهد ترکیه در مسیر جدیدی گام برداشته است که حتی با پیروزی کمال قلیچداراوغلو هم تغییر پیدا نمی‌کند. از طرف دیگر موضوع حقوق شهروندی، تغییر مفهوم سیاست‌ورزی، زندگی روزمره، محیط زیست، تحصیل، رفاه، آرامش، کار و درآمد، امنیت و به‌خصوص فضای مجازی، پارامترهایی هستند که بیش از گذشته در روندها تأثیر می‌گذارند. وقتی از گذشته نه‌چندان دور که از کردهای ترکیه‌ای یا به عنوان «شهروندان محترم جنوب شرق این کشور» و در حالت توهین‌آمیز «ترک‌های کوهی» یاد می‌کردند، اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که هر دو جریان اصلی انتخابات ترکیه یعنی جریان رجب طیب اردوغان و کمال قلیچداراوغلو به دنبال ائتلاف با بخشی از کردها هستند، نشان می‌دهد که ما در یک نقطه بی‌بازگشت در همزیستی سیاسی و روند امنیتی‌زدایی از کردهای ترکیه قرار داریم که می‌تواند در آینده بیشتر، پررنگ‌تر و پخته‌تر شود تا جایی که دیگر موضوع از مقوله قومی-زبانی و مانند آن خارج شود و حالت شهروندمحوری به خود بگیرد. البته تا آن دوره و زمان همچنان فاصله عمیق و زیادی وجود دارد و باید منتظر تحولات بعدی بود.

باز هم در تقابل با گفته شما روندهای اخیر در تحولات بین‌المللی و رجعت دوباره به ناسیونالیسم بعد از ظهور پدیده‌ای به نام ترامپ گواهی می‌دهد که شهروندمحوری رنگ باخته است؛ چون شدت این رجعت به ناسیونالیسم در حدی است که اکنون موج‌های شوونیستی علاوه بر آمریکا به کشورهای اروپایی هم سرایت کرده است. پس چگونه می‌توان انتظار داشت که منطقه خاورمیانه و مشخصا ترکیه به سمت شهروندمحوری و عبور از نگرش‌های قومی-مذهبی گام بردارد؟

ما نمی‌توانیم ظهور پدیده‌ای به نام ترامپ یا اتفاقاتی را که در برخی کشورهای اروپایی رخ داده است، یک قاعده و مسیر در نظر بگیریم و طبق آن تحلیل کنیم؛ کما اینکه شما دیدید عمر پدیده‌ای به نام ترامپ در همان یک دوره ریاست‌جمهوری خلاصه شد. ضمن اینکه اکنون برای عموم شهروندان ترکیه و حتی کردهای این کشور هم این امر مسجل است که شرایط فعلی نسبت به ۱۰ یا ۲۰ سال پیش قابل قیاس نیست. برای نمونه دیگر تا قبل از این، بیشتر جامعه کردی که قصد مهاجرت از ترکیه را داشت به راحتی نمی‌توانست این کار را بکند یا در صورت رسیدن به کشورهای اروپایی نمی‌توانست به ترکیه بازگردد، اما اکنون کردهای ترکیه که بیشتر به آلمان هم مهاجرت می‌کنند به راحتی در حال آمد و رفت هستند. سرکوب‌های گذشته و حملات نظامی ارتش به روستاها و شهرهای کردنشین پایان پیدا کرده است. بله باز هم تکرار می‌کنم درگیری‌ها در کوه‌ها و دره‌ها ادامه دارد، اما از شدت آن و تسری به شهرها کاسته شده است. تلفات جانبی و کشته‌شدن شهروندان و ساکنان روستاها و شهرها بر اثر درگیری پ‌ک‌ک با ارتش ترکیه به نزدیک صفر رسیده است. از طرف دیگر با حضور پررنگ‌تر پهپادها در جنگ‌های ترکیه اکنون شیوه مبارزه هم تغییر پیدا کرده است. میزان تلفات دو سال گذشته در ترکیه را با سال‌های قبل مقایسه کنیم؛ اصلا قابل قیاس نیست

اینها به چه معناست؟ یعنی اینکه در عرصه عینی و میدانی دگرگونی‌های جدی رخ داده است و دیگر نه ترکیه و جامعه کردی به نقطه قبل بازنمی‌گردند. بله خوانش‌های قومی کردی، ترکی و عربی وجود دارد و کسی هم منکر آن نیست، اما خوانش‌های قومی موتور خشونت‌های سابق را روشن نمی‌کند. در مجموع اگر اتفاق چالش‌برانگیزی بعد از انتخابات امروز روی ندهد که منجر به دخالت نیروی نظامی و ارتش ترکیه شود یا شاهد اردوکشی خیابانی هر دو طرف (اردوغان و کمال قلیچداراوغلو) که نتیجه انتخابات را نمی‌پذیرند، نباشیم به نظر من فضای چند سال گذشته در ترکیه حکایت از این دارد که راهکارهای دموکراتیک برای حل‌وفصل مسائل و موضوعات قومیتی و زبانی جای پررنگ‌تری را به جای مبارزات مسلحانه پیدا کرده است. اکنون فضا برای گفت‌وگو با محوریت اندیشمندان، دانشجویان، روزنامه‌نگاران و صاحبان قلم و فکر بیشتر از چریک‌ها فراهم است. شما به اقلیم کردستان عراق نگاه کنید؛ چقدر کردهای باسواد و تحصیل‌کرده در کشورهای اروپایی و آمریکا وجود دارند، اما چند درصد از این افراد صاحب تخصص و دانش در بدنه مدیریتی و اجرائی اقلیم کردستان عراق حضور دارند؟ تقریبا هیچ؛ چرا؟ چون در همان ساختار قومیتی و خانوادگی همه پست‌ها، مناصب و رانت‌ها بین چند حزب محدود و اقوام و جریان‌ها مانند طالبانی و بارزانی تقسیم شده است. همه چیز دست چند چریک قدیمی و همان پیشمرگه‌های سابق است. این ساختار سنتی سیاسی کردی در اقلیم گواه آن است که باید از خوانش چریکی، مبارزاتی، ایدئولوژیک و قومی صرف عبور کنیم و به جای تأکید بر گزاره‌های اختلافی قومی-مذهبی به سمت شهروندمحوری بر مبنای دموکراسی و گفتمان دموکراسی‌خواهی پیش برویم؛ چه در ترکیه، چه در عراق، چه در سوریه و چه در ایران.

CUMHURBAŞKANI ADAYLARI
RECEP TAYYIP ERDOĞAN
MUHARREM İNCE
KEMAL KILIÇDAROĞLU
SİNAN OĞAN